

## معرفی نسخه خطی رساله نُصح الاستغاثه من ملاعین ثلاثه شیخ محمدباقر بیرجندی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۲/۱۰

محمد ولی پور<sup>۱</sup>

الهام ملک‌زاده<sup>۲</sup>

### چکیده

دریابی از فرهنگ پرمایه اسلام و ایران در نسخه‌های خطی موج می‌زند. نسخه‌های خطی در حقیقت کارنامه دانشمندان بزرگ و نوابغ دهر، سند و هویت ما است. شیخ محمدباقر بیرجندی یکی از علمای بزرگ شیعی قرن ۱۴ هجری قمری، صاحب آثار و تألیفات متعددی در حوزه‌های مختلف دینی می‌باشد که هر یک از آثار او به نوعی سبب گسترش فرهنگ و معارف اسلامی، بویژه تشیع می‌گردد. بعضی از آثار این عالم بزرگ چاپ شده و بعضی دیگر به صورت نسخه خطی در کتابخانه‌ها و مراکز اسنادی موجود است. نسخه‌های خطی متعددی از این عالم در مراکز اسنادی ایران وجود دارد که یکی از نسخه‌های خطی این عالم برجسته، رساله "نُصح الاستغاثه من ملاعین ثلاثه" است. هدف این مقاله تحلیل محتوایی مضامین مندرج در این نسخه خطی است. با توجه به اهمیت اجتماعی، فرهنگی و سیاسی رساله فوق، نوشتار حاضر تلاش دارد تا ضمن معرفی این نسخه خطی، اندیشه‌های شیخ محمدباقر بیرجندی را مورد تحلیل و ارزیابی قرار دهد. روش این پژوهش توصیفی-تحلیلی است. دستاوردهای این پژوهش نشان می‌دهد که مؤلف با استناد به آیات قرآن کریم و احادیث اهل بیت عصمت و طهارت (ع) و فتاوی علمای متقدم اعم از شیعه و سنی، به صورت استدلالی حرمت ملاعین ثلاثه (تریاک و افیون، ریش تراشیدن و شراب) را اثبات کرده است و همراه با اثبات حرمت ملاعین فوق به رد صوفیه و عقاید و اندیشه‌های آنان پرداخته و حکم بر کفر و الحاد این گروه داده است. اندیشه‌های او در اثبات حرمت افیون تحت تأثیر رساله دخانیه عزالدین

m.valipoor@cfu.ac.ir  
elhammalekzadeh@ihcs.ac.ir

۱. عضو هیأت علمی دانشگاه فرهنگیان بیرجند  
۲. استادیار تاریخ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

شیرازی و اوضاع اجتماعی و فرهنگی روزگارش قرار گرفته است.  
**واژگان کلیدی:** محمدباقر بیرجندی، نُصح الاستغاثه، نسخ خطی، فقه

### مقدمه

مطالعه نسخ خطی و آثار مکتوب عالمان دینی در گسترش و توسعه معارف دینی، بویژه فرهنگ شیعی جایگاه ویژه‌ای دارد. بنابراین احیاء، معرفی و تصحیح نسخ خطی از جنبه‌های گوناگون درخور توجه است و نسخه‌های خطی فراوانی در مراکز اسناد و کتابخانه‌ها وجود دارد که تاکنون از منظر پژوهشگران و محققین دور مانده است که معرفی، بازخوانی و تصحیح آنها می‌تواند نقش مهمی در رشد و شکوفایی و گسترش فرهنگ اسلامی، بویژه معارف تشیع ایفاء کند.

با توجه به اهمیت نسخه‌های خطی و آثار مکتوب علمای شیعی در اعتلای آموزه‌های تشیع، مقاله پیش‌رو به معرفی یکی از آثار خطی به نام "نُصح الاستغاثه من ملاحظین ثلاثه" از شیخ محمدباقر بیرجندی که از علمای شیعه برجسته قرن ۱۴ هجری قمری است، می‌پردازد (خسروی، ۱۳۹۱: ۴۵). محمدباقر بیرجندی علاوه بر این اثر، تألیفات متعددی در حوزه‌های مختلف فقهی، اصول، کلام، درایه، تاریخ، حدیث، اخلاق و اعتقادات دارد (علیزاده بیرجندی، ۱۳۸۲: ۸۲-۸۳). نسخه خطی فوق، دارای ۷۶ صفحه در قطع رحلی می‌باشد که به زبان فارسی روان نوشته شده است. این رساله در بیان احکام فقهی و مضرات افیون، دخانیات، تراشیدن ریش و حرمت شراب، در سه بخش که مؤلف از هر بخش به‌عنوان یک استغاثه (دادخواهی) یاد کرده و در یک خاتمه تنظیم شده است. مؤلف با استناد به آیات قرآن و روایات اهل بیت (ع) و مباحث پزشکی این سه امر یا به قول خودش سه ملعون را حرام اعلام کرده است (بیرجندی، بی تا: ۱). محمدباقر یکی از محدثین و اصولیین دوره معاصر بود (تهرانی، ۱۳۶۲: ۱۱۶) که این رساله را به شیوه فقه استدلالی به رشته تحریر درآورده است.

با توجه به اهمیت این نسخه از جهات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، نوشتار حاضر می‌کوشد از طریق بررسی و تحلیل محتوایی نسخه خطی، چشم‌اندازی از اندیشه‌های

محمدباقر بیرجندی را به تصویر بکشد. این مقاله با رویکرد توصیفی - تحلیلی سعی دارد از طریق بررسی محتوایی نسخه خطی "نصح الاستغاثه من ملامین ثلاثه" و مضامین مندرج در آن، به پاسخ‌گویی سؤالات ذیل برآید:

- ۱- دلیل و انگیزه نگارش رساله فوق توسط محمدباقر بیرجندی، چه بوده است؟
- ۲- شیخ محمدباقر بیرجندی چه براهینی برای حرمت ملامین ثلاثه، اقامه کرده است؟ در بررسی پیشینه این پژوهش، لازم به ذکر است که در میان آثار مربوط به شیخ محمدباقر بیرجندی، تاکنون اثری پیرامون معرفی این نسخه نگاشته نشده است و برای اولین بار است که توسط نگارندگان این نسخه خطی معرفی می‌شود.

### شرح حال مؤلف

محمدباقر در سال ۱۲۷۶ قمری در روستای گازار از توابع بیرجند به دنیا آمد (آیتی، ۱۳۷۱: ۳۱۱). وی از خانواده‌ای ریشه‌دار و اهل علم و فضل و فرهنگ بود که نسبش از جانب پدر به اشرف الشرفاء (۱۱۴۹ ق.) و از ناحیه مادر به ملا محمدباقر بن مسعودعلی شیرخوندی از علمای عهد نادرشاه می‌رسد (مرعشی نجفی، ۱۴۱۶ ق.، ج ۲: ۱۲). او تحصیلات خود را در بیرجند و قاین و مشهد گذراند (سعیدزاده، ۱۳۶۹: ۴۸۷) و با حمایت و مساعدت میرزا خانلرخان اعتصام‌الملک در حوزه مشهد نزد استادان مجربی به تحصیل پرداخت (اعتصام‌الملک، ۱۳۵۱: ۲۰۳). وی فقه را در مشهد نزد استادانی چون میرزا هدایت‌الله ابهری تلمذ نمود و عمده تحصیلات عالی خود را در نجف و سامرا نزد آیت‌الله سید محمدحسن شیرازی (م. ۱۳۱۲ ق.) گذراند (امین، ۱۴۱۹ ق.، ج ۷: ۱۸۱). او پس از انجام فریضه حج، در سال ۱۳۱۲ قمری به بیرجند مراجعت کرد و به رتق و فتق امور شرعی مردم همت گمارد (رازی، ۱۳۵۲، ج ۳: ۲۶۶). وی در حل مشکلات مردم و مبارزه با فساد تلاش جدی می‌نمود که رساله فوق نشانگر این مسأله است.

### معرفی نسخه خطی رساله نصیح الاستغاثه من ملامین ثلاثه

این رساله یکی از آثار فقهی محمدباقر بیرجندی است (بیرجندی، ۱۳۹۴: ۲۱) که در

سه استغائه و یک خاتمه تنظیم یافته است. از این رساله فقط یک نسخه در سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران وجود دارد. در یک نگاه کلی باید گفت رساله به این ترتیب تنظیم شده است: استغائه اول یا قسمت اول در مذمت استفاده از تریاک و حکم شرعی آن است. استغائه دوم یا قسمت دوم در مذمت سبیل گذاشتن و ریش تراشیدن و حکم شرعی آن می باشد. استغائه سوم در مذمت نوشیدن شراب و مسکرات است.

### مشخصات ظاهری نسخه

رساله به زبان فارسی تدوین شده که کلمات عربی زیادی در آن به کار رفته است. نوع خط و درجه آن متوسط است که بر روی کاغذ شکری در ۷۶ برگ نوشته شده است. این رساله در دفین<sup>۱</sup> قرار دارد. جلد آن دارای آستر بدرقه، شامل روکش کاغذ فرنگی سبز مشجر، عطف آن کالینگور آبی و آستر آن کاغذ فرنگی شکری است. تزئینات خاص در متن به کار نرفته است، فقط قسمت‌های مهم و عنوان فصل‌ها را با خط تیره که در پایین آن کشیده شده، مشخص نموده است.

یکی دیگر از ویژگی نسخه فوق مبیضه بودن آن است. با توجه به این که نسخه موجود خط‌خوردگی و خدشه کمی دارد و می‌توان گفت بسیار ناچیز است، معلوم می‌شود که در آغاز مسوده‌ای داشته است و بعد پاک‌نویس شده که در واقع، آنچه که امروزه در دسترس است، مبیضه یا پاک‌نویس می‌باشد.

به نظر می‌رسد که نویسنده در نگارش سطرها قاعده خاصی را مدنظر داشته است و فاصله بین سطرها تقریباً یکسان است. تعداد خطوط بین ۱۷ تا ۱۹ سطر متغیر است. اندازه سطور ۱۲۰×۱۵۵ و قطع آن ۱۶۸×۲۱۵ است. اگر کلمه‌ای را فراموش کرده که بنویسد علامتی کوچک در بالای کلمه (ll) نوشته و کلمه افتاده را که قرار بوده اضافه گردد، حاشیه سمت چپ همان خط، یعنی جایی که خط به پایان رسیده، نوشته است و از این که در بین سطور بنویسد خودداری کرده (همان: ۳۴).

۱. جلد و پشت اسناد را دفین گویند (صفری آق‌قلعه، ۱۳۹۰: ۴).

برای شمارش صفحات از "رکابه" استفاده کرده است. در تعریف رکابه در کتاب نسخه شناخت این چنین آمده است: «وقتی کتابی را باز می‌کنیم دو صفحه در برابرمان قرار می‌گیرد، یکی در سوی راست که رویه پشتی از برگه پیشین است و دیگری در سمت چپ که رویه نخستین از برگ دوم است. پیشینان برای ثبت رکابه بدین‌گونه عمل می‌کردند که یک یا چند واژه آغازین از صفحه سمت چپ را در پایین صفحه در سمت راست می‌نوشتند، با این کار مشخص می‌شد که واژگان آغازین برگه بعدی چیست» (صفری آق‌قلعه، ۱۳۹۰: ۱۲۳). در نسخه خطی فوق، به‌خوبی از رکابه برای شمارش صفحات استفاده شده تا از جابه‌جایی برگه‌ها جلوگیری به عمل آید و یا اگر افتادگی و جابه‌جایی صورت بگیرد، قابل تشخیص باشد.

**انجام نسخه:** شامل عباراتی است که در پایان یک متن توسط مؤلف آن اثر نگاشته شده و نشان می‌دهد که متن مذکور در آن جایگاه به پایان رسیده است که گاهی نویسندگان اطلاعاتی چون نام خودشان، تاریخ پایان نگارش متن و جایگاه آن را در انجام ثبت می‌کنند. انجام درست در پایان نسخه و در پیش از "انجامه" آورده می‌شود (همان: ۷۶).

در رساله فوق "انجام" وجود دارد که با این عبارات آمده است: «حمد و ثنای بیرون از حد و عد خدای عزوجل را که توفیق عطا فرمود رد بر مخالف در این سه مسأله که حرمت تریاک و رجحان گرفتن شارب که صوفی مبدع طوع<sup>۱</sup> عوام‌فریبی در آن کرده بود و کبیر بودن تناول سكرات نوشته شد و صلی‌الله علی محمد و آله محمد و سلم و لعن‌الله عدو آل محمد من الجن و الانس امین رب العالمین. نوع خط انجام با خط متن و نحوه نگارش و شکل ظاهری آن با یکدیگر تفاوت ندارد (بیرجندی، بی‌تا: ۶۵).

در رساله فوق انجامه<sup>۲</sup> دیده نمی‌شود، اما بعد از انجام، مؤلف یک خاتمه آورده است که در جای خود خواهد آمد. هم‌چنین مؤلف در این رساله از منابع متعددی استفاده کرده

۱. فرمانبرداری (معین، ذیل "طوع")

۲. انجامه شامل عباراتی است که توسط کاتب در پایان نسخه نوشته می‌شود و در آن به ذکر آگاهی‌هایی چون نام کاتب، تاریخ کتابت نسخه و گاه اطلاعات دیگری از قبیل جایگاه کتابت نسخه، نام سفارش دهنده و مواردی از این دست پرداخته می‌شود (صفری آق‌قلعه، ۱۳۹۱: ۸۳-۸۴).

است که باعث غنای محتوایی آن شده است.

تحمیدیه نسخه: شروع رساله با حمد و سپاس خداوند متعال و درود بر محمد و آل محمد (ص) و اصحاب و تابعین ایشان و لعنت بر دشمنان آنها می‌باشد که می‌نویسد « الحمد لله رافع الدرجات العالمین فی الآفاق و صلی الله علی محمد المبعوث لتتمیم مکارم الاخلاق و علی آله العزاکرام و اصحابه التابعین الفخام و لعنه الله علی اعدائهم من الآن الی یوم الانتقام» (همان: ۱). پس از تحمیدیه علت نگارش رساله را بیان می‌کند که در جای خود خواهد آمد.

### سبک نگارش

سبک و سیاق نگارش ساده و روان است، اما کلمات عربی زیادی در آن به کار رفته است. مؤلف در تدوین این رساله به شیوه فقه استدلالی پیش رفته است. در هر بخش و یا به قول نویسنده استغاثه، ابتدا به آیات قرآن استناد می‌کند و بعد از آن حدیث و نظرات فقهی عالمان دینی را با ذکر منبع آن می‌آورد و در نهایت، به اثبات حرمت ملاعین ثلاثه می‌پردازد. او در استناد به شرع مقدس، گاهی اوقات به دلیل نیامدن حکم مستقیم در حرمت ملاعین، سعی می‌کند از آیات و احکامی که غیرمستقیم به موضوع اشاره دارد، استفاده کند. چنانچه می‌گوید: «بدان که لازم نیست که هر چیزی به خصوص حکم آن از صاحب شرع مطهر برسد و بنای شارع مقدس نیز بر آن نیست، بلکه ائمه طاهرین قواعد کلیه می‌فرمودند و اصحاب آن را می‌فهمیدند» (همان: ۲۰). وی در تبیین مضرات تریاک، گاه به آیات قرآن (شواهد نقلی) و زمانی به استدلال و آوردن براهین عقلی تمسک جسته است. چنانچه در استدلال فقهی دیگری آورده است، چون تریاک مقدمه محرمات دیگر واقع می‌شود، حرمت دارد، از جمله مقدمه بازداشتن از یاد حق، اسراف، مقدمه نیاز به غیر و عدم رغبت به ازدواج می‌شود. وی با ذکر دلایل اجتماعی، اقتصادی و پزشکی به حرمت تریاک حکم می‌دهد. به عنوان مثال می‌نویسد کسی که به تریاک روی می‌آورد، از عبادات دور می‌شود و چه بسا باشد که ترک نماز کند و کسی که یک نماز عمداً ترک کند، کافر باشد و در این جا آیه شریفه «فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا

الصَّلَاةَ وَاتَّبِعُوا الشَّهَوَاتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غَيًّا» (قرآن، مریم: ۵۹) «سپس کسانی جانشین اینان شدند که نماز را ضایع گذاشتند و پیرو شهوات گردیدند و به زودی به غی خواهند افتاد» را می‌آورد و استدلال می‌کند انطباق آن بر تریاکی‌ها است (بیرجندی، بی‌تا: ۵۰). گاهی اوقات هم در بحث‌های خود برای تفهیم بیشتر مطالب، به ابیاتی از شعرای مشهور گذشته روی می‌آورد که این امر بر جذابیت بحث افزوده است (همان: ۲۳).

در شیوه استدلال خود، در بعضی موارد نتایج مترتبه بر استعمال ملاعین ثلاثه را می‌آورد و بحثی را به بحث دیگر مرتبط می‌کند و بر اثبات حکم فقهی خود در اثبات حرمت ملاعین ثلاثه استحکام می‌بخشد. به‌عنوان مثال، می‌نویسد کسی که به تریاک روی می‌آورد، از زن و فرزند روی‌گردان می‌شود که این امر معضلات اجتماعی را در پی دارد. هم‌چنین کسی که تریاک استعمال می‌کند، تمایل به ازدواج در او سرد و خاموش می‌گردد و این امر باعث کاهش جمعیت می‌شود و آنگاه در ثواب فرزند داشتن از قول معصومین سخن به میان می‌آورد (همان: ۳۳) و به این ترتیب است که بر مذمت و حرمت تریاک تأکید می‌کند.

بعضی مباحث مؤلف در رساله به‌صورت پراکنده و غیرمستقیم آمده است، گوئیا به مثابه سخنرانی می‌ماند که گویند "الكلام یجر الکلام"، رشته سخن از کف او بیرون می‌رود و مباحث غیر مرتبط و یا مباحثی که دورادور به موضوع ارتباط پیدا می‌کند، مطرح می‌نماید. به‌عنوان نمونه، هنگامی که از اثرات افیون بر کاهش نسل صحبت به میان می‌آورد، به مباحث ازدواج موقت می‌پردازد و در مورد تحریم ازدواج موقت به‌وسیله عمر سخن به میان می‌آورد و یا سعی می‌کند که ثابت کند که ازدواج موقت در زمان رسول خدا (ص) و ابوبکر رواج داشته است (طبری، ۱۳۸۳، ج ۴: ۲۳۵). یا هنگامی که از تراشیدن ریش بحث می‌کند و دلایل حرمت و مذمت آن را به میان می‌آورد، به حواشی می‌رود و بحث صوفیه و قلندریه و کفر و الحاد آنها را مطرح می‌کند و بحث را طولانی می‌نماید و خواننده را به وادی دیگری سوق می‌دهد که کسل‌کننده است.

در برخی موارد تضاد و تناقض‌گویی در سخنان او به چشم می‌خورد. به‌عنوان مثال، در صفحه ۳ رساله‌اش از مولوی شعری در مذمت تنبلی و کسالت که از نتایج افیون است،

بیان می‌کند و در صفحه ۱۹ همین اثر در مذمت افرادی که برای رضایت دیگران حقی را ناحق می‌کنند، این شعر را می‌آورد که می‌گوید:

از همه محروم‌تر خفاش بود      کو عدو آفتاب فاش بود (مولوی، ۱۳۸۴: ۴۵۳)

از این طریق است که به کسانی که برای خوشامدگویی حکام، حرمت افیون را رد می‌کنند، حمله می‌نماید. اما در صفحه ۴۳ در رد صوفیه، از قول مقدس اردبیلی (۱۳۶۱: ۵۷۷) در حدیقه/الشیعه، مولوی را کافر و بی‌دین می‌خواند و یا از قول مجلسی (۱۳۸۲: ۱۱۹۳) در عین/الحیات که می‌گوید هر صفحه از کتاب مثنوی رومی، مشتمل بر چند کفر است را بدون این که آن را نقد کند، می‌آورد.

از مزایای مهم این رساله استفاده گسترده از منابع متعددی چون قرآن، اصول کافی شیخ کلینی، بحار الانوار علامه مجلسی، صحاح سته، قرب الاسناد حمیری، ارشادالقلوب حسن بن حسن دیلمی، تاریخ طبری، الکامل ابن اثیر، حدیقه الشیعه محقق اردبیلی، قاموس فیروزآبادی، احیاءالعلوم غزالی، جامع الاخبار محمد شعیری، خصال شیخ صدوق، زبدهالبیان محقق اردبیلی، وسایل الشیعه حرّ عاملی، کتاب صلوه مرتضی انصاری، تهذیب شیخ طوسی، محاسن برقی، احتجاج شیخ طبرسی، روضه الجنان شهید ثانی، کشف زمخشری و مجمع‌البحرین طریحی و ... است که آنها را در متن اثر بیان کرده است و اطلاعات مفیدی که در زمینه‌های مختلف به‌دست می‌دهد، در خور توجه است. هم‌چنین در سراسر اثر، دیدگاه انتقادی مؤلف به بعضی از نویسندگان و مؤلفین به چشم می‌خورد و بسیاری احادیث جعلی را رد می‌کند و بر بعضی از جهال که عمامه بر سر می‌نهند و حکم بر عدم حرمت تریاک می‌دهند، حمله می‌کند و می‌نویسد: «چون خود مبتلا به آن بوده‌اند، گفته‌اند هیچ دلیلی بر حرمت آن نیست» (بیرجندی، بی تا: ۱۸) و از این بابت مردم را جری می‌کنند. لذا با جرأت و جسارت بر روحانی‌نماها حمله می‌کند و کسانی را که فتوی به حرمت تریاک نمی‌دهند، تقبیح می‌کند و می‌گوید اینان شبیه به کسانی هستند که برای خوش آمدن یزید، حکم بر قتل امام حسین (ع) دادند.

#### انگیزه و هدف نگارش

آنچه از نوشتن این رساله مستفاد می‌شود، انگیزه نگارنده ایفای تکلیف شرعی است که



خداوند بر عهده علماء دین نهاده است، چنانچه می‌نویسد: «چند کلمه‌ای است موسوم به نُصح الاستغاثه من ملامین ثلاثه که به جهت امثال امر حضرت جبار و حدیث رسول مختار صلی‌الله علیه و آله بر قلم این قاصر تبه‌کار جاری شد» (بیرجندی، بی تا: ۱). وی انگیزه و مقصود خود را از نگارش، اطاعت از خداوند متعال می‌داند. او در بیان هدف خود از تدوین این رساله، به آیات قرآن و احادیث استناد می‌کند و می‌نویسد: «اگر عالمی حقی را بداند و آشکار نکند، به عذاب الهی و غضب پروردگار گرفتار می‌شود. اعتقاد او بر این است که تحمل ملامت ملامت کنندگان آسان‌تر از تحمل عذاب الهی برای آشکار نکردن حق است. بنابراین برحسب تکلیف شرعی خود دست به نگارش می‌زند تا جامعه را از خطری که آن را تهدید می‌کند، نجات دهد» (همانجا). با توجه به این که نویسنده در پایان رساله از رساله‌های دخانیه که قبلاً تدوین شده‌اند، نام می‌برد، به نظر می‌رسد از رساله‌های دخانیه‌ای چون رساله دخانیه عزالدین شیرازی و دیگر کسانی که در حرمت توتون رساله نوشته‌اند و فتوی به حرمت آن داده‌اند، مانند مولی خلیل قزوینی، سید نصرالله حائری، فخرالدین نجفی صاحب مجمع البحرین، شیخ حرّ عاملی و شیخ علی بن سلیمان بحرینی تأثیر پذیرفته باشد. بعد از بیان کلیات و روش‌شناسی محمدباقر بیرجندی در نُصح الاستغاثه در این بخش از نظر محتوایی، فصول کتاب مذکور به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته است.

### استغاثه اول

این بخش از رساله در مورد افیون (تریاک، شیره‌افکن و توتون) می‌باشد که شامل کلیات و دو فصل است. در کلیات ابتدا به ریشه‌یابی لغوی افیون می‌پردازد و آن را کلمه یونانی<sup>۱</sup> می‌داند که به فارسی تریاک گفته می‌شود. سپس به تأثیرات منفی مصرف تریاک بر جسم، در سه عنوان به این ترتیب: ۱- ترک بیداری ۲- ترک حیات و ۳- کاهش قوه باء می‌پردازد.

وی برای اثبات حرمت تریاک، دلایل پزشکی ذکر می‌کند و آنگاه احادیثی را از ائمه اطهار (ع) با ذکر سند آن بیان می‌کند. به عبارت دیگر، از تلفیق حدیث و قرآن و علوم

۱. افیون شیره منجمد شده خشخاش است که تریاک گویند. این لفظ چنان‌که گمان کرده‌اند یونانی نیست، بلکه مأخوذ از افینیا می‌باشد که در زبان سانسکریت به معنی شیره خشخاش می‌باشد (دهخدا، ذیل "افیون").

تجربی به نتیجه می‌رسد و حکم فقهی مسأله را بیان می‌کند که نسبت به زمان خودش نوعی خلاقیت است. به‌عنوان مثال، در مذمت تریاک و حرمت آن می‌نویسد: چون استعمال تریاک خواب‌آلودگی می‌آورد و خواب‌آلوده نمی‌تواند شب‌بیداری را تحمل کند و به عبادت پردازد، پس از خدا دور می‌گردد. یا می‌نویسد: تریاک تنبلی‌آور است و آدم تنبل هم به قول حضرت موسی (ع) مبعوض درگاه خداوند است. از طرفی، ثواب نماز شب را ذکر می‌کند و هم‌چنین به عقوبات ترک نماز واجب با استناد به احادیث می‌پردازد و آنگاه می‌گوید: چون تریاک مسبب ترک صلوه و محروم ماندن از فیوض مستحبات است و دوری بنده را از خداوند رقم می‌زند، حرام است.

مؤلف برای اثربخشی بیشتر مطالب در پایان بحث، چند بیت شعر از بزرگان دین یا شعرای نام‌آور بیان می‌کند و خواننده را به حصول نتیجه سوق می‌دهد. همان‌گونه که در مذمت تنبلی که یکی از نتایج تریاک است، از قول نراقی (۱۳۶۲: ۲۵۵) در طاق‌دیس می‌آورد:

از کسالت مرد ابتر می‌شود      لاقید و بند و معجر می‌شود  
صحبت تنبل تو را تنبل کند      همسری با کل، سرت را کل کند

در کلیات، مؤلف مباحثی را در ارتباط با افیون و حرمت آن می‌آورد. مسائلی چون زکات، پاداش پرداخت و عواقب روی‌گردانی از آن را بیان می‌کند و آنگاه اثرات تریاک را بر کاهش تولید نسل و مذمت آن و ثواب ازدواج دائم و موقت را با تکیه بر آیات قرآن و احادیث و تاریخ طبری مفصلاً توضیح می‌دهد و وارد فصل اول از استغاثه اول می‌گردد. **فصل اول، دلیل بر حرمت تریاک و شیره‌افکن (شیره تریاک):** در این فصل از استغاثه اول برای حرمت تریاک دلایل اربعه را به میان می‌آورد و می‌نویسد براساس کتاب، سنت، اجماع و عقل، شرب دخان تریاک حرام است.

نویسنده در این بخش سعی دارد که براساس هر کدام از ادله چهارگانه، حرمت تریاک را اثبات کند. در آغاز با استناد به قرآن، کبیره بودن حرمت شرب دخان را اثبات می‌کند. او برای ورود به بحث از دوستان هم‌مسلك خود که گرفتار دخان شده‌اند و فتوی به حرمت آن نمی‌دهند، گلایه می‌کند و بر کسانی که درس و بحث و دین را آلات رسیدن

به مقاصد دنیوی و نفسانی قرار می‌دهند، حمله می‌کند. در این قسمت وی با تکیه بر آیات قرآن، حکم به حرام بودن استعمال تریاک می‌دهد. چنانچه از قرآن (غافر: ۴۳) می‌آورد: «أَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ»، یعنی اسراف کنندگان اهل آتشند و یا براساس آیه «وَأَتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَ لَا تَبْذُرْ تَبْذِيرًا» (قرآن، الاسراء: ۲۶) «حق خویشاوندان و مسکینان و در راه ماندگان را ادا کن و هیچ اسرافکاری مکن» و آیه: «إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَ كَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا» (همان: ۲۷) «اسرافکاران با شیاطین برادرند و شیطان نسبت به پروردگارش ناسپاس بود» استدلال می‌کند که استعمال تریاک چون اسراف و تبذیر است و اسراف و تبذیر طبق آیات فوق حرام است، پس شرب دخان حرام است (بیرجندی، بی تا، ۲۰).

مؤلف در این فصل به منابع متعدد در زمینه اسراف و تبذیر و قول علماء استناد می‌کند و روایاتی مربوط به اسراف و تبذیر را می‌آورد و آنگاه حکم به حرمت تریاک می‌دهد. مهم‌ترین منابعی که در این زمینه علاوه بر قرآن وجود دارد و از آن استفاده کرده است عبارتند از: مجمع الطریحی، قاموس فیروزآبادی و العوائد نراقی. در پایان این فصل نشانه‌های اسراف را از احادیث بیان می‌کند. نکته جالب و قابل توجه این است که با استناد به تفسیر آیات مرتبط با اسراف، استدلال می‌کند که چون استعمال توتون و تنباکو هر ساله مبلغ زیادی را هدر می‌دهد، پس استعمال آن حرام است (همان: ۲۱-۲۲).

**فصل دوم، تریاک مقدمه محرّمات:** در ابتدای این فصل به اعمال و افعال فرقه صوفیه و بیزاری جستن از آنها می‌پردازد و پس از آن به رزق و روزی حلال و سخت بودن شرایط تحصیل آن اشاره دارد و چنین استنباط می‌کند که چون افراد به جهت تناول تریاک به حرام می‌افتند، لذا مقدمه حرام می‌شود.

در این فصل سه دلیل برای حرمت تریاک ذکر می‌کند و به توضیح آن می‌پردازد که عبارتند از:

۱- استعمال تریاک، مقدمه حرام است؛ ۲- استعمال تریاک، فرد را از یاد حق باز می‌دارد؛ ۳- به بدن و عقل و ایمان و قوه بقاء ضرر می‌زند. در توضیح و تفسیر دلیل سوم

می‌نویسد: اگر شراب حرام است به جهت این‌که به بدن ضرر دارد و تریاک هم از این مقوله است و استدلال می‌کند استعمال تریاک تمایل به ازدواج را کاهش می‌دهد و در نهایت منجر به کاهش جمعیت مسلمان می‌گردد که این خلاف سنت رسول خدا (ص) است (همان: ۳۰). در پایان فصل دوم با طرح یک پرسش، بحث را به اتمام می‌رساند و می‌پرسد که آیا واجب است از تریاکی‌ها فاصله گرفت و او را در تصرف اموال منع کرد؟ مؤلف با استناد به آیه «وَلَا تَوْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا» (قرآن، نساء: ۵) «اموالتان را که خدا قوام زندگی شما ساخته است، بدست سفیهان مدهید ولی از آن هزینه و لباسشان دهید و با آنان سخن به نیکی گویند» جواب می‌دهد، بلی واجب است.

### استغاثه دوم

این بخش در مورد تراشیدن ریش و نگه‌داشتن سبیل است. مؤلف در ابتدا تراشیدن ریش را حرام می‌داند و براساس روایت علماء در کتب دینی، بلند گذاشتن سبیل را مکروه می‌داند. در این بخش از چندین مطلب مهم سخن به میان می‌آورد، اما به آن، عنوان فصل نمی‌دهد که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۱- **تکفیر فرقه صوفیه:** در این بحث بر اساس حرمت تراشیدن ریش، حکم به تکفیر فرقه صوفیه می‌دهد و این فرقه را خارج از دین می‌داند و حکم به محو آنها از روی زمین می‌دهد (همان: ۳۵).

۲- **بیان دلایل حرمت تراشیدن ریش:** در این قسمت از استغاثه دوم با بیان حدیثی از امام علی (ع) و استناد به آن، ریش تراشیدن را حرام اعلام می‌کند و احادیثی می‌آورد که تراشیدن شارب را مستحب می‌داند و این‌گونه استدلال می‌کند که وجه دلالت بر حرمت محاسن تراشیدن، تشبیه به اعداء دین (یهود و مجوس) است (همان: ۳۶).

۳- **انتقاد در مورد فرقه قلندریه:** در این قسمت طایفه قلندریه را مورد انتقاد قرار می‌دهد و خرافاتی که توسط آنها وضع شده را رد می‌کند و بحث را با بیان جعل احادیث به‌وسیله زنادقه ادامه می‌دهد (همان: ۴۰). وی صوفیانی را که دست به جعل کرامات و

احادیث می‌زنند، به شدت مورد انتقاد قرار می‌دهد و آنگاه داستان بابتن هندی<sup>۱</sup> را به نقد می‌کشد.

۴- تذکر در مورد اخبار و احادیث جعلی و نقد اعتقادات صوفیه: در این قسمت از بحث، تذکر می‌دهد که احادیث جعلی بی‌شمار است و می‌نویسد که ائمه اطهار (ع) هم از کسانی که حدیث جعل می‌کنند، شکایت دارند و آنگاه به فرقه صوفیه اشاره می‌کند که می‌گویند "ما برای رواج دین پیامبر (ص) حدیث جعل می‌کنیم" را مورد انتقاد شدید قرار می‌دهد. در مورد اعتقادات صوفیه که می‌گویند "از پیامبر آخرالزمان (ص) هم می‌شود برتر شد" را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهد و ادعای محی‌الدین عربی که می‌گوید: «من از پیامبر آخرالزمان (ص) افضل هستم» را به شدت رد می‌کند (همان: ۴۳).

در این نقد و انتقاد او را ممیت‌الدین عربی می‌خواند و در نهایت به کفر و ضلالت منصور حلاج سخن را می‌کشد و نظر علمای بزرگ شیعه مانند محقق اردبیلی، علامه مجلسی، و نراقی را در مورد صوفیه بیان می‌کند (همان: ۴۴). در این استغاثه با حدیثی از رسول اکرم (ص) بحث خود را به پایان می‌برد و باطل بودن فرقه صوفیه را مجدداً با حدیث پیامبر (ص) تأکید می‌کند. چنانچه می‌آورد که پیامبر (ص) فرمودند: «لا تقوم الساعة علی امتی حتی یقوم قوم من امتی اسمهم الصوفیه لیسوا منی و انهم یحلقون للذکر و یرفعون أصواتهم یظنون انهم علی طریقتی بل هم اضل من الکفار و هم اهل النار لهم شهیق الحمار» (قمی، ۱۴۱۶ق، ج ۵: ۲۰)، یعنی قیامت قائم نمی‌شود، تا قومی از امت من ظاهر شوند که صوفیه نامیده می‌شوند و از من نیستند و ایشان بیهود امت من هستند و صدای خود را به ذکر بلند می‌کنند و گمان می‌کنند که بر طریقه ابرار می‌باشند، نه چنین است، بلکه گمراه‌تر از کفارند و اهل آتش می‌باشند.

۱. بابتن هندی در سنه ۶۰۰ هجری در هند ظاهر شد و ادعا کرد که از زمان حضرت رسول (ص) زنده است و احادیث زیادی را بر آن حضرت افتراء بست و آنها را مردم نوشتند و از احادیث مشهور شد و خودش هم شهرت یافت (بیرجندی، بی تا: ۴۱).

### استغاثه سوم

این بخش در مورد حرمت ام‌الخبائث (شراب) است. در این بخش هم ابتدا با آوردن مقدمه‌ای کوچک سعی می‌کند کبیره بودن حرمت شراب‌خواری را ثابت کند. وی اعتقاد به حرمت شراب در همه ادیان الهی دارد و بر کسانی که آن را گناه صغیره می‌دانند، انتقاد می‌کند. در این استغاثه بحث خود را در چند محور اساسی یا فصل پی می‌گیرد که البته خودش عنوان فصل را به کار نبرده است، ولی آن را می‌توان به ترتیب زیر دسته‌بندی نمود:

**۱- حرمت شراب از صدر اسلام:** وی با استناد به قرآن و شأن نزول آیات، حرمت آن را از صدر اسلام ثابت می‌کند و می‌گوید عده‌ای برای توجیه شراب‌خواری بعضی از صحابه در صدر اسلام، این چنین نظر می‌دهند که شراب نوشیدن از آغاز اسلام حرام نبوده است و آن غلط است. حتی از بعضی کتب یهود، مانند کتاب اشعیای نبی شواهدی برای حرمت شراب در یهودیت می‌آورد (همان: ۵۲). وی برای اثبات کبیره بودن حرمت نوشیدن شراب از قول شیخ مرتضی انصاری می‌نویسد که کبیره بودن به چند چیز است که دو مورد از قول شیخ انصاری را نقل می‌کند: ۱- نص معتبر ۲- آیات قرآن. در این جا آیه ۲ و ۳ سوره مائده را می‌آورد و هشت دلیل را براساس آیات فوق در حرمت شراب ذکر می‌کند و آنگاه در پایان بحث، شأن نزول آیات مربوط به حرمت شراب را توضیح می‌دهد و علت تکرار آیات مربوط به شراب را بیان می‌کند.

**۲- حرمت لغو:** مسأله دومی که در استغاثه سوم مطرح می‌کند، اثبات حرمت لغو است. در این زمینه به احادیث و آیات قرآن استناد می‌کند و در مورد این که چه چیز لغو است، از ائمه و علماء بزرگ سخنانی نقل می‌کند. وی قماربازی و نشستن در مجالس لاهین، لاعبین و منکر را اگر به جهت رد منکر نباشد، حرام می‌داند. او در این قسمت، علاوه بر حرمت لغو و لهو که علمای دیگر فتوی به حرمت آن می‌دهند، فتوی به حرمت نشستن در مجالس تشبیه می‌دهد که می‌گوید مشتمل بر حرام زیاد است، اعم از اجتماع زن و مرد با مفاسد آن، طبل، دروغ خواندن و لباس زن پوشیدن. در پایان این قسمت از مسأله حرمت لغو، نتیجه می‌گیرد که چگونه ملامتی که انسان را از یاد خدا

غافل می‌کند حرام است، اما شراب که آن چنان عقل را می‌برد که فرد بر محارم خود وارد می‌شود، حرام نباشد.

۳- **تقبیح تنبلی:** در این قسمت، از قرآن و حدیث و شعر دلیل برای مذمت تنبلی می‌آورد. وی دوری از تنبلی و کسالت را برای طلبه علم لازم‌تر می‌داند و تأکید می‌کند که طلاب باید بنویسند و برای هدایت دیگران به یادگار بگذارند. هم‌چنین از بزرگان عرصه نگارش در علوم دینی اسم می‌برد و برای تشویق طلاب به نگارش از علمای بزرگی چون سید مرتضی و صاحب بن عباد و آمار کتب آنها یاد می‌کند. چنین استنباط می‌کند که کسی که به استعمال افیون و شراب مبتلا گردد، تنبل می‌شود (همان: ۵۹).

۴- **اشتغال به قلیان و چای و قهوه:** چون اشتغال به قلیان و چای و قهوه در زمان مؤلف در مجالس شایع بوده، او بحثی در مورد آنها می‌آورد و حکم آن را از قول علمای مختلف نقل می‌کند. در ابتدا بحث را با سؤال این‌گونه آغاز می‌کند: آیا اشتغال به قلیان و قهوه و چای که در زمان ما شایع است نیز از لغو و تبذیر محسوب می‌شود، موضوعاً یا حکماً یا نه؟ آنگاه جواب می‌دهد که معلوم نیست که از این باب باشد و حرج در آن انشاءالله تعالی نیست. اما مؤمن صاحب حزم از چیزی که در آن احتمال شبهه باشد، می‌پرهیزد و در این‌جا نظرات علمای مختلف را در مورد اشتغال به قلیان و غیره ذکر می‌کند.

در ادامه بحث استغاثه سوم، دوباره به حرمت شراب و کبیره بودن حرمت آن می‌پردازد و با ذکر حدیثی از پیامبر (ص) در مورد قطع رابطه با شراب‌خوار و نتایج مترتب بر شراب در دنیا و آخرت و آوردن چند نمونه شعر، بحث حرمت شراب را به پایان می‌برد.

تنمه

در پایان رساله، یک آورد که آن را با آیه «إِن تَجْتَنِبُوا كِبَايَرًا مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نَكَفَرُوا بِكُمْ سَبِيحَاتِكُمْ وَ نُدْخِلُكُمْ مُدْخَلًا كَرِيمًا» (قرآن، ۳۱) یعنی اگر از گناهان بزرگی که شما را از آن نهی کرده‌اند، اجتناب کنید. از دیگر گناهانتان درمی‌گذریم و شما را به مکانی نیکو درمی‌آوریم»، آغاز می‌کند و در ادامه گناهان کبیره را بر می‌شمارد و عذاب مترتب بر آن را می‌آورد و برای توفیق نوشتن رساله‌اش، خداوند تبارک تعالی را

شکر می‌گوید.

شیخ محمدباقر بیرجندی پس از تتمه‌ای که در رساله خود می‌آورد، به معرفی و نقد رساله دخانیه عزالدین زاهد شیرازی در ۱۲ صفحه می‌پردازد. او در مورد مؤلف رساله دخانیه می‌نویسد که اگر چه عزالدین زاهد شیرازی که هم‌عصر مجلسی بوده، تلاش کرده تا حرمت افیون را اثبات کند، اما دلایلی که برای این کار ارائه می‌کند، کافی نیست. وی در نقد رساله دخانیه شیرازی می‌گوید رساله خوبی است برای موعظه کسی که در دین محتاط باشد. در نقد و بررسی رساله دخانیه، نظرات فقهی علمایی چون شیخ مفید، شیخ حرّ عاملی و شیخ مرتضی انصاری را بیان می‌کند و آنها را مقایسه می‌نماید. در قسمت دیگری از این نقد، در مورد نظر صاحب رساله عربیه سخن به میان می‌آورد و نظر صاحب رساله را که می‌گوید: «مدتها در فکر من حرمت شرب دخان بود، اما از ترس عامه جرأت عیان را نداشتم تا که حضرت حجت (عج) در خواب به من امر فرمودند آن را عیان کنم»، بیان می‌دارد و آنگاه بیرجندی انواع خواب‌ها را توضیح می‌دهد و می‌گوید گرچه بنا به حدیث رسول (ص) رأی مؤمن و رؤیای مؤمن در آخرالزمان یک جزء از هفتاد جزء نبوت است، اما خواب را حجت شرعی نمی‌داند.

در قسمت سوم از نقد رساله، دلایل دوازده‌گانه عزالدین شیرازی را بر می‌شمارد و هر کدام از دلایل را با آیات و احادیث تشریح می‌کند و در پایان هم نام عده‌ای از علماء را که در حرمت توتون رساله نوشته‌اند، می‌آورد.

### نتیجه

رساله خطی "نصح الاستغاثه من ملاعین ثلاثه" اثر محمدباقر بیرجندی در ۷۶ برگ در مورد حرمت تریاک و افیون، تراشیدن محاسن و شراب در سه بخش اصلی که مؤلف آن را استغاثه (دادخواهی) می‌نامد و در یک خاتمه تنظیم شده است. سبک نگارش رساله ساده و به‌صورت استدلالی نوشته شده است. به لحاظ ظاهری نسخه ویژگی خاصی ندارد. آغاز آن با حمد و ثنای الهی و پایان آن هم با شکرگزاری خداوند به پایان می‌رسد. قسمت‌های مهم و سرفصل‌ها را با خط سیاه معمولی مشخص نموده است. رساله فوق



دارای انجام و رکابه می‌باشد.

انگیزه نگارش محمدباقر بیرجندی بنا به نوشته او در رساله فوق، ادای تکلیفی است که خداوند بر دوش علماء و دانشمندان برای بیان حق گذاشته است. بنا به گفته خودش، در آغاز رساله به جهت امتثال امر حضرت جبار و حدیث رسول مختار (ص) دست به قلم برده و این رساله را تحریر کرده است. به نظر می‌رسد با توجه به شیوع استعمال تریاک در منطقه بیرجند و آگاهی نویسنده از مضرات آن و مطالعه رساله‌های متقدم در مورد دخانیات، بر خود فرض دانسته که حرمت تریاک را عیان نماید و تکلیف شرعی خود را ادا کند تا خود را از عذاب الهی برهاند، ولو این‌که بر اهل زمانه او گران آید و او را ملامت کنند.

از حیث محتوا و شیوه استدلال، در ابتدای هر استغاثه نخست آیاتی از قرآن و احادیثی از معصومین می‌آورد و بر اساس آن، دلایل حرمت ملاعین ثلاثه را اثبات می‌کند. هم‌چنین برای محکم کردن استدلال خود و تفهیم بیشتر مسأله فقهی مورد نظر، از نظرات فقهی دیگر علماء و کتب فقهی آنها بهره می‌گیرد و اغلب در پایان هر بحث، نمونه‌ای از اشعار مرتبط با موضوع از بزرگان دین و شعرای مشهور ذکر می‌کند. گاهی هم در اثبات حرمت ملاعین و اجتماعی را مقدمه قرار می‌دهد و براساس آن، نتیجه فقهی مورد نظر را به دست می‌آورد که نوعی جذابیت به کار او می‌دهد. از نوشته‌های رساله و خاتمه این چنین مستفاد می‌شود که تحت تأثیر اوضاع زمانه و رساله دخانیه عزالدین شیرازی قرار گرفته و دست به نگارش زده است و رساله‌های دیگری که در این زمینه، قبل از او نوشته شده را دیده است که در پایان رساله، از آن یاد می‌کند. از مشخصات بارز این رساله بررسی نقادانه مؤلف از نظرات فقهی دیگر عالمان دینی بویژه علمای عامه و صوفیان است که سعی می‌کند با مبانی قرآنی آنها را به نقد بکشد. از دیگر مزایای رساله فوق، استفاده گسترده از منابع متعدد فقهی و تاریخی می‌باشد که غنای خاصی به کار او بخشیده است.

بیرجندی سعی می‌کند با بررسی عالمانه و نقادانه، بسیاری از خرافات و احادیث جعلی که توسط خوارج و صوفیان و دیگر مغرضان در زمینه ملاعین ثلاثه و مرتبط با آن، وارد

متون دینی و اعتقادات مردم شده است را رد کند. یکی از ایرادات وارده بر نوشته‌اش این است که مطالب را خیلی زیاد به حواشی می‌کشد و برای اثبات یک حکم فقهی از موضوع اصلی فاصله می‌گیرد، به گونه‌ای که مسأله اصلی در نزد خواننده کم‌رنگ می‌گردد تا جایی که خواننده در حصول نتیجه، صبر را از کف می‌نهد و کسل می‌شود. هم‌چنین گاهی در انتقاد بر صوفیان، گوئیا از مدار علمی خارج می‌شود و به شدت بر طرف مقابل انتقاد می‌کند و او را متهم به کفر و الحاد می‌کند. چنانچه محی‌الدین عربی که از صوفیان است را ممیت‌الدین عربی می‌نامد. گاهی اوقات هم مطالب نامرتب به ملاعین ثلاثه را می‌آورد که صفحات زیادی را به خود اختصاص داده است. وی از فقه‌های اصولی است که در استدلال خود به کتاب و سنت و عقل و اجماع تکیه دارد.

#### منابع

- قرآن کریم.
- آیتی، محمدحسین (۱۳۷۱). *بهارستان: در تاریخ و تراجم رجال قائنات و قهستان*. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- اعتصام‌الملک، خانلرخان (۱۳۵۱). *سفرنامه میرزا خانلرخان اعتصام‌الملک*. به کوشش منوچهر محمودی. تهران: چاپخانه فردوسی.
- امین، محسن (۱۴۱۹ق.). *اعیان الشیعه*، ج ۷. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- بیرجندی، محمدباقر (۱۳۹۴). *کبریت الاحمر فی شرایط المنبر*. به تصحیح علیرضا اباذری. تهران: نغمه قرآن.
- ----- (بی‌تا). *نصح الاستغاثه من ملاعین ثلاثه*. نسخه خطی. سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی.
- خسروی، فاطمه (۱۳۹۱). "آیت الله شیخ محمدباقر آیتی گزاری و تحولات اجتماعی و فرهنگی بیرجند از سال ۱۲۲۶ تا ۱۳۱۳ هجری شمسی". پایان‌نامه کارشناسی ارشد تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بیرجند.
- دهخدا، علی‌اکبر. *لغت‌نامه*، ج ۲. ذیل "افیون".

- رازی، محمدشریف (۱۳۵۲). گنجینه دانشمندان، ج ۳. تهران: کتابفروشی اسلامیه.
- سعیدزاده، محسن (۱۳۶۹). بزرگان قائن، ج ۱. قم: ناصر.
- صفری آق قلعه، علی (۱۳۹۰). نسخه شناخت (پژوهشنامه نسخه‌شناسی نسخ خطی فارسی). با مقدمه ایرج افشار. تهران: میراث مکتوب.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۳). تاریخ الرسل و الملوک، ج ۴. تحقیق ابراهیم محمد ابوالفضل. بیروت: دارالتراث العربی.
- تهرانی، آقابزرگ (۱۳۶۲). میرزای شیرازی: ترجمه هدیه الرازی الی الامام المجدد شیرازی. ترجمه محمد دزفولی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ----- (۱۳۷۲). الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۱. قم: اسماعیلیان.
- علیزاده بیرجندی، زهرا (۱۳۸۲). تاریخ برگزیدگان و مشاهیر بیرجند. بیرجند: رزقی.
- قمی، عباس (۱۴۱۶ق.). سفینه البحار، ج ۵. قم: اسوه.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۲). عین الحیات، تحقیق علی محمد رفیعی. تهران: قدیانی.
- مرعشی نجفی، محمود (۱۴۱۶ق.). المسلسلات فی الاجازات، ج ۲. قم: مطبعه آیت الله مرعشی نجفی.
- معین، محمد. فرهنگ فارسی، ج ۲. ذیل "طوع".
- مقدس اردبیلی، احمد بن محمد (۱۳۶۱). حدیقه الشیعه. تهران: گلی.
- مولوی، جلال الدین محمد (۱۳۸۴). مثنوی معنوی. به تصحیح قوام‌الدین خرمشاهی. تهران: دوستان.
- نراقی، احمد (۱۳۶۲). طاق‌دیس. تهران: امیرکبیر.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی